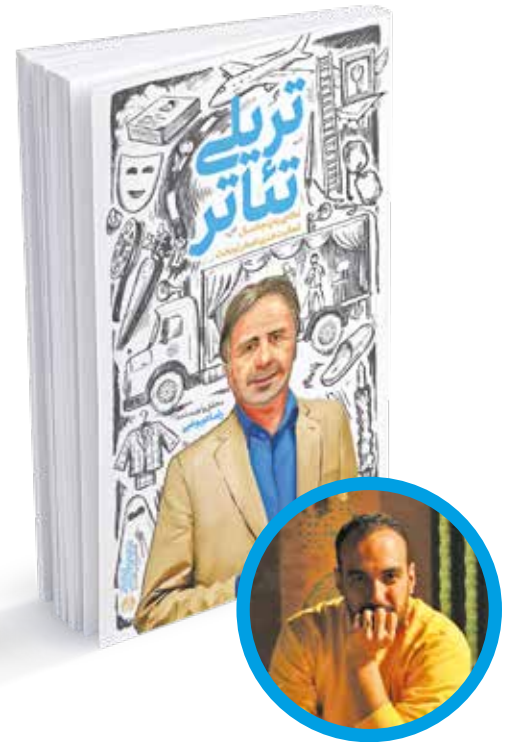


## گپ‌وگفتی با نویسنده کتاب تریلی تئاتر

بچه جدید  
آقای عیوضی!

ابراهیم کاظمی مقدم  
روزنامه نگار و طنزپرداز

رضا عیوضی، متولد شهرریور ۱۳۷۱ و ساکن شهر قم است. او علاوه بر نویسندگی آن هم از نوع طنز، هم کارشناس محتوا در یک شرکت فروش محصول است و هم سردبیری و نویسندگی چند برنامه تلویزیونی را در کارنامه خود دارد. عیوضی می‌گوید پنج فرزند دارد: علی‌اصغر، فاطمه‌نورا و کتاب‌های «او یافت مرا»، «دادگاه اشیاء» و «تریلی تئاتر» که آخری، تازه به دنیا آمده. به بهانه کتاب تازه متولد شده‌اش با او گفت‌وگویی شیرین داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

## فیلم سینمایی جوجه تیغی زیر بوته بررسی

فقط تیغ بود؛  
بدون جوجه

سید محمدجواد کیش بافان  
روزنامه نگار و طنزپرداز

«مستانه مهاجر» تهیه‌کننده و از شناخته‌شده‌ترین تدوینگران سینماست. او برای ساخت اولین فیلمش سراغ ژانر کمدی رفته است و «جوجه تیغی» را ساخته است. داستان جوجه تیغی روایت زنی نماینده مجلس است که می‌خواهد تبدیل به اولین رئیس جمهور زن ایران شود و از این جهت بی‌شبهت به داستان کارگردان نیست که اولین فیلمش را ساخته است. با این تفاوت که اگرچه پرونده شخصیت فیلمش مبهم باقی می‌ماند و

«کتاب‌هایتان را هم جزء فرزندان حساب می‌کنید؟ عیوضی: بله! برای یک نویسنده، کتاب حکم فرزند را دارد. فکرمی‌کنم این دوتا مثل هم هستند. انسان برای رشدشان، برای هویتشان، ایجادشان و سرنوشت آن تلاش می‌کند. دقیقاً مثل هم. آنقدر که برای کتاب زحمت می‌کشد مثل این است که بچه‌ی اوست.

«از کتاب‌ها یا همان بچه‌هایتان بگوئید.»

عیوضی: کتاب اول من، «او یافت مرا» نام دارد که خاطرات طنز اربعینی من است و توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ رسیده و الان به چاپ سوم رسیده است. کتاب بعدی «دادگاه اشیاء» است. یک دادگاه خیالی که با جان‌بخشی به وسایل رئیس‌جمهور سابق صحنه‌های طنزی خلق کرده. آن را هم انتشارات شهید کاظمی البته با همت باشگاه طنز انقلاب اسلامی چاپ کرده است. کتاب اخیر هم که تریلی تئاتر است. البته کتاب‌های دیگری هم هستند که در مراحل چاپ هستند.

«پس هنوز هم تورا می‌دارید؟»

عیوضی: بله. مثلاً یکی از آن‌ها خاطرات طنز یک پاکبان است. ان‌شاءالله به زودی به دنیا خواهد آمد. البته منظورم کتاب است، نه پاکبان!

«چه شد که رفتید سراغ طنز؟»

عیوضی: فرهنگ ما با طنز و مطایبه گره خورده. من استعداد داشتم اما به نظر من این استعداد را همه ما ایرانی‌ها داریم. بیشتر این موفقیت لطف خدا و حاصل تلاش و پشتکار خودم بوده. البته قرار گرفتن باشگاه طنز انقلاب اسلامی در مسیر زندگی‌ام نیز تأثیر زیادی داشت و باعث شد این استعداد را پرورش بدهم.

«از آشنایی با باشگاه طنز بگوئید.»

عیوضی: افتخار این را داشتم که با آقای محمدرضا شهبازی آشنا بشوم و از سال ۹۳ وارد باشگاه طنز انقلاب اسلامی شدم. باشگاه بستریهایی مانند محافل طنز، سایت و رسانه‌های مختلف را فراهم کرده بود که در اختیار ما می‌گذاشت. این بسترها قلم ما را مخصوصاً در زمینه طنزپردازی رشد می‌داد. این‌ها بیشترین تأثیر را در پیشرفت من در بحث نویسندگی و مخصوصاً طنز داشت. در کنار این‌ها استعداد خدادادی و علاقه خودم باعث شد وارد این حوزه بشوم.

«در باره نورسیده‌تان، «تریلی تئاتر» بیشتر توضیح بدهید.»

عیوضی: این کتاب شامل زندگی‌نامه و خاطرات هنری اصغر نوبخت است. البته سعی کردم بیشتر بر فعالیت‌های طنزآمیز ایشان تمرکز کنم. انتشارات راه‌یار نیز ناشر کتاب بوده است.

ابتدای امر با آقای شهبازی و سایر دوستان سوژه‌هایی را در شهر قم بررسی کردیم تا به شخصیت خاصی رسیدیم که خاطرات طنزآمیز زیادی از مبارزات انقلابی دهه پنجاه و شصت داشت. او یکی از افرادی بود که با زبان طنز با طاغوت مبارزه می‌کرد. ساعت‌ها مصاحبه انجام شد و نتیجه‌اش این کتاب شد.

«یعنی افرادی بودند که با زبان طنز با شاه مبارزه می‌کردند؟»

عیوضی: بله، زیاد. فقط ده نفر را خود ما بررسی کردیم. کسانی که با شعر طنز و شعارهای طنزآمیزشان در راه‌پیمایی‌ها مبارزه می‌کردند، یا کسانی که کاریکاتور می‌کشیدند یا سخنرانی طنز می‌کردند و... امیدوارم در فرصتی بتوانم آن‌ها را هم معرفی کنم. اگر خدا بخواهد در یک کتاب دیگر، شامل ده فصل به آن‌ها خواهم پرداخت.

«کتاب تریلی تئاتر شامل چه چیزهایی است؟»

عیوضی: خاطرات آقای نوبخت از نوجوانی گرفته تا بزرگسالی و تئاترها و اجراهای ایشان در دوران انقلاب و پشت جبهه‌ها. البته رساندن همه این خاطرات به مخاطب خیلی سخت بود. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که برای انتقال کامل آنچه هست، با جمیع شرایط، بهترین قالب گفت‌وگو است. به نظر من این اتفاقی بزرگ و تاریخی است که روزگاری مردمی برای دفاع از عقایدشان و برای حمله به عقاید پست و پلید، راه هنر را برگزیده‌اند و با ابزار طنز به مصاف طاغوت رفته‌اند.

«از بخش‌های این خاطرات که خودتان را به وجد آورد بگوئید.»

عیوضی: خیلی جالب بود که دهه شصت ایشان داخل زیرزمین خانه پاکدست طنز تولید می‌کردند. این خاطرات را که می‌شنویم، می‌بینیم غر زدن‌های امروزی‌ها برای کمبود امکانات بهانه‌ای بیش نیست. یا مثلاً بحث استندآپ کمدی طنز در شرایط سخت جبهه و جنگ. خیلی جالب است که در آن شرایط سخت وقتی هم‌زمان یک عده شهید شدند، تو آن‌ها را بخندانی. ظاهراً فرمانده برای بهبود روحیه افراد از آقای نوبخت خواسته بودند این کار را بکنند.

به نظرم در فضای مجازی امروز که طنز مساوی با لودگی و شوخی‌های رکیک شده، الگوگیری از این عزیزان لازم و ضروری است. در واقع این چیزی که امروز در فضای مجازی و سینما هست طنز نیست؛ یک ادبیات بی‌ارزش است. یکی از انگیزه‌های من در این راه همین بود. شناساندن طنزپرداز فخر و واقعی به جامعه مذهبی.

«خنده‌دارترین خاطره این کتاب را برای ما اسپویل کنید.»

عیوضی: ماجرای خنده‌دار در کتاب زیاد هست. مخصوصاً با بیان شیوا و جذاب آقای نیکبخت. اما یکی از این‌ها خیلی خود من را خندانند. البته فقط ماجرا را تعریف می‌کنم تا کتاب اسپویل نشود.

ایشان به همراه گروه‌شان بعد از فرار شاه یک تریلی کرایه می‌کنند و در سطح شهر قم به اجرای تئاتر، روی همان تریلی می‌پردازند. هنوز انقلاب نشده و شاه تازه فرار کرده بود. آقای نوبخت تعریف می‌کردند که ما بعد از اجرا، یک گونی کفش از روی تریلی جمع کردیم! چون گرم شاه را داشتند و مردم آنقدر از خاندان پهلوی نفرت داشتند که حتی به کسی که گرمش شبیه شاه بود هم رحم نمی‌کردند! من اینجا به یاد شمهرای تعزیه افتادم که بعضی جاها به باد کتک گرفته می‌شدند.

ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

بازگی بیشتر از آن که شبیه اغفالگر زنان و دختران باشد، شبیه اراذل و اوباش چاله میدانی شده است. گرم پیری هومن برق‌نورد نیز نتوانسته نقش او را به‌عنوان پدر حامد کمیلی باورپذیر کند. این دو بازیگر هشت سال تفاوت سنی دارند و برای اینکه یکی نقش پدر دیگری را بازی کند، بازیگر نقش پدر به گرمی‌تری نیاز داشته است.

بازیگران فیلم هیچ‌کدام نتوانستند نمایش درخشانی داشته باشند و فقط تا حدودی پانته‌آ پناهی‌ها و نازنین بیاتی بهتر از دیگران عمل کردند؛ هرچند آن‌ها نیز با بهترین کارهایشان فاصله‌ای قابل توجه دارند.

در فیلم‌نامه نیز که مهم‌ترین بخش کار است همانطور که بالاتر هم اشاره شد، داستان پراز باگ است و علیرغم سوژه نابی که داستان براساس آن بنا شده، در خنده گرفتن از مخاطب چندان موفق عمل نمی‌کند و در بعضی از سکانس‌ها حتی رو به شوخی‌های سخیف جنسی آورده است.

با همه این توضیحات پیشنهاد می‌شود که اگر روزی خواستید جوجه تیغی را ببینید بروید نمایش تک‌نفره بهرام افشاری به همین عنوان را ببینید!

مشخص نمی‌شود که به مرادش می‌رسد یا نه اما خود او در اولین کارگردانی‌اش نمره چندان قابل قبولی نمی‌گیرد.

نویسندگان فیلم‌نامه جوجه تیغی مصطفی زندی و سجاد پهلوان‌زاده هستند که هر دو، مانند کارگردان اثر، ید طولایی در کارهای پشت صحنه دارند؛ نفر دوم که اخیراً ساخت دو سریال برای شبکه نمایش خانگی را نیز تجربه کرده است. با این سوابق نویسندگان و کارگردان، آدم انتظار دارد که با کاری کم‌نظیر در بخش‌های مختلف مواجه شود اما چیزی که با آن روبه‌رو می‌شود کاملاً برعکس است.

با وجود سابقه طولانی کارگردان و یکی از نویسندگان فیلم در کار تدوین، اما فیلم از نظر تدوین هیچ چیز خاصی ندارد به جز پرش‌های زمانی ناگهانی که مخاطب را گیج می‌کند. البته این موضوع ممکن است به سوراخ‌های فیلم‌نامه نیز برگردد. وقتی نام سجاد پهلوان‌زاده کارگردان سریال پراز باگ «سقوط» به عنوان فیلم‌نامه‌نویس ثبت شده، این مسئله چندان عجیب نیست. البته این مسئله ممکن است به سانسورهای ناشی از موضوع فیلم است هم برگردد. در گرمی فیلم آنچنان ضعیف عمل کرده است که پزیمان